

چهل حدیث تصویری  
امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام



## نصیحت از سر اخلاص

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مَنْ نَصَحَ لِلَّهِ وَ أَخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هُدِيَ لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ وَفَّقَهُ اللَّهُ  
لِلرَّشَادِ وَ سَدَّدَهُ لِلْحُسْنَى فَإِنَّ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ مَحْفُوظٌ وَ عَدُوُّهُ خَائِفٌ مَخْذُولٌ  
فَاخْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ

الحكمة

حديث ابن عباس

هان ای مردم! کسی که برای خدا نصیحت کند و کلام خدا را راهنمای خود  
گیرد، به راهی پایدار رهنمون شود و خداوند او را به رشد و هدایت موفق سازد  
و به نیکویی استوار گرداند، زیرا پناهنده به خدا در امان و محفوظ است و دشمن  
خدا ترسان و بی یاور است و با ذکر بسیار خود را از [معصیت خدای] بپایید.



## شناخت هدایت

«وَأَعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنْكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا التَّقَى حَتَّى تَعْرِفُوا صِفَةَ الْهُدَى، وَلَنْ تُمْسِكُوا بِمِشْقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ وَلَنْ تَتْلُوا الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي حَرَفَهُ، فَإِذَا عَرَفْتُمْ ذَلِكَ عَرَفْتُمْ الْبِدْعَ وَالتَّكْلُفَ وَرَأَيْتُمْ الْفِرْيَةَ عَلَى اللَّهِ وَالتَّحْرِيفَ وَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يَهْوَى مَنْ يَهْوَى»

الحمد لله

حدیث باب طهارت

به یقین بدانید که شما هرگز تقوا را نشناسید تا آن که صفت هدایت را بشناسید، و هرگز به پیمان قرآن تمسک پیدا نمی کنید تا کسانی را که دورش انداختند بشناسید، و هرگز قرآن را چنان که شایسته تلاوت است تلاوت نمی کنید تا آنها را که تحریفش کردند بشناسید، هر گاه این را شناختید بدعتها و بر خود بستن ها را

## فاصله میان حق و باطل

«بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ، مَا رَأَيْتَ بِعَيْنَيْكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسْمَعُ بِأُذُنَيْكَ  
بِاطِلًا كَثِيرًا.»

بین حق و باطل به اندازه چهار انگشت فاصله است، آنچه با چشمت بینی حق  
است و چه بسا با گوش خود سخن باطل بسیاری را بشنوی.

الحق

الباطل



## آزادی و اختیار انسان

«مَنْ أَحَالَ الْمَعَاصِيَ عَلَى اللَّهِ فَقَدْ فَجَرَ، إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَطْعَ مَكْرُوهًا وَ لَمْ يَعْصَ مَغْلُوبًا وَ لَمْ يَهْمِلِ الْعِبَادَ سُدَى مِنَ الْمَمْلَكَةِ، بَلْ هُوَ الْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ وَ الْقَادِرُ عَلَى مَا عَلَيْهِ أَقْدَرَهُمْ، بَلْ أَمْرَهُمْ تَخْيِيرًا وَ نَهَاهُمْ تَحْذِيرًا.»

هر که گناهان را به خداوند نسبت دهد، به تحقیق، فاجر و نابکار است. خداوند به زور اطاعت نشود، و در نافرمانی مغلوب نگردد، او بندگان را مهمل و سرخود در مملکت وجود رها نکرده، بلکه او مالک هر آنچه آنها را داده و قادر بر آنچه آنان را توانا کرده است می‌باشد، آنان را فرمان داده تا به اختیار خودشان آن را بپذیرند و نهیشان نموده تا به اختیار خود بر حذر باشند.

## زهد و حلم و درستی

« قِيلَ لَهُ (عليه السلام) مَا الزُّهْدُ؟ قَالَ: أَلرَّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا.  
قِيلَ: فَمَا الْحِلْمُ؟ قَالَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ مَلَكُ النَّفْسِ. قِيلَ مَا السَّدَادُ؟ قَالَ: دَفْعُ  
الْمُنْكَرِ بِالْمَعْرُوفِ.»

از حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) پرسیده شد که زهد چیست؟ فرمود:  
رغبت به تقوا و بی رغبتی در دنیا. سؤال شد حلم چیست؟ فرمود: فرو بردن خشم  
و تسلط بر نفس. سؤال شد سداد و درستی چیست؟ فرمود: بر طرف نمودن زشتی  
به وسیله خوبی.





## تقوا

«التَّقْوَى بَابُ كُلِّ تَوْبَةٍ وَرَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ وَشَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ بِالتَّقْوَى فَازَ مَنْ فَازَ  
مِنَ الْمُتَّقِينَ.»

تقوا و پرهیز کاری سر آغاز هر توبه ای، و سر هر حکمتی، و شرف و بزرگی هر  
عملی است، و هر که از با تقوایان کامیاب گشته به وسیله تقوا کامیاب شده است.



## خلیفه به حق

«إِنَّمَا الْخَلِيفَةُ مَنْ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ عَمَلَ  
بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ لَعَمْرِي إِنَّا لَأَعْلَامُ الْهُدَى وَ مَنَارُ التَّقَى.»

خلافت فقط از آن کسی است که به روش رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) برود، و به طاعت خدا عمل کند، و به جان خودم سوگند که ما اهل بیت نشانه های هدایت و جلوه های پرفروغ پرهیزگاری هستیم.

العلامة

حديث ابن طاهر



## حقیقت کرم و دنائت

قِيلَ فَمَا الْكَرْمُ قَالَ الْإِبْتِدَاءُ بِالْعَطِيَّةِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ فِي الْمَحَلِّ قِيلَ  
فَمَا الدَّنِيئَةُ قَالَ النَّظَرُ فِي الْيَسِيرِ وَ مَنْعُ الْحَقِيرِ

از امام مجتبی سؤال شد: کرم چیست؟ فرمود: آغاز به بخشش نمودن پیش از درخواست نمودن و اطعام نمودن در وقت ضرورت و قحطی. سؤال شد: دنائت و پستی چیست؟ فرمود: کوچک بینی و دریغ از اندک.



## مشورت مایه رشد و هدایت

«ما تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ»

هیچ قومی با همدیگر مشورت نکنند، مگر آن که به رشد و کمالشان هدایت شوند.





## لثامت وپستی

«اللُّؤْمُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النُّعْمَةَ.»

پستی آن است که شکر نعمت را نکنی.



## بدتر از ننگ و زبونی

«الْعَارُ أَهْوَنُ مِنَ النَّارِ»

نگ آسانتر از دوزخ است





## رفیق شناسی

«قَالَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) لِيَعْضُ وُلْدِهِ: يَا بُنَيَّ لَا تُوَاخَ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضَيْتَ الْعِشْرَةَ فَأَخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعِشْرَةِ وَ الْمُوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ.»

الحسن

حدیث باب طهارت

امام حسن (علیه السلام) به یکی از فرزنداناش فرمود: ای پسر! با احدی برادری مکن تا بدانی کجاها می رود و کجاها می آید، و چون از حالش خوب آگاه شوی و معاشرتش را پسندیدی با او برادری کن به شرط این که معاشرت، بر اساس چشم پوشی از لغزش و همراهی در سختی باشد.

## کار با توکل

« لا تُجَاهِدِ الطَّلَبَ جِهَادَ الْغَالِبِ وَ لَا تَتَّكِلْ عَلَى الْقَدْرِ إِتْكَالَ الْمُسْتَسْلِمِ. »

چون شخص پیروز در طلب مکوش، و چون انسان تسلیم شده به قدر اعتماد مکن  
[بلکه با تلاش پیگیر و اعتماد و توکل به خداوند، کار کن].





## خویشاوند و بیگانه واقعی

«الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ، وَالْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قَرَّبَ نَسَبُهُ.»

خویشاوند کسی است که دوستی و محبت، او را نزدیک کرده باشد و اگر چه نژادش دور باشد. و بیگانه کسی است که از دوستی و محبت به دور است و گرچه نژادش نزدیک باشد.

الحمد لله

حدیث باب ط

## اعتماد به مقدرات الهی

«مَنْ أَتَكَلَّ عَلَى حُسْنِ الْأَخْتِيَارِ مِنَ اللَّهِ لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ أَنْتَهُ فِي غَيْرِ الْحَالِ الَّتِي  
إِخْتَارَهَا اللَّهُ لَهُ.»

الحمد لله

حدیث باب طهارت

هر که به نیک گزینی خداوند دلگرم باشد، آرزو نمی کند در وضعی جز آنچه خدا  
برایش برگزیده، باشد.



## آثار رفت و آمد در مسجد

«مَنْ أَدَامَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَأَخَا مُسْتَفَادًا  
وَ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا وَ رَحْمَةً مُنْتَظِرَةً وَ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرُدُّهُ عَنِ رَدَى  
وَ تَرَكَ الذُّنُوبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً.»

الحكمة

حدیث باب طهارت

هر که پیوسته به مسجد رود به یکی از این هشت فایده می رسد: ۱- نشانه ای استوار (فهم آیات الهی)، ۲- دوستی قابل استفاده، ۳- دانشی تازه، ۴- رحمتی مورد انتظار، ۵- سخنی که به راه راستش کشد، ۶- یا سخنی که او را از پستی برهاند، ۷- و ترک گناهان به خاطر شرم از خدا، ۸- یا ترک گناهان به خاطر خوف از خدا.

## بهترین چشم و گوش و دل

«إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ، وَ أَسْمَعُ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى  
التَّذْكَيرَ وَ انْتَفَعَ بِهِ، أَسْلَمَ الْقُلُوبِ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ.»

همانا بیناترین دیده ها آن است که در طریق خیر نفوذ کند، و شنواترین گوشها  
آن است که پند و اندرز را در خود فرا گیرد و از آن سود برد، سالمترین دلها آن  
است که از شبهه ها پاک باشد.





## تزکیه در پر تو عبادت

«إِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبَادَةَ تَزَكَّى لَهَا، إِذَا أَضْرَّتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرِيضَةِ فَارْفُضُوهَا.»

به راستی هر که عبادت را به خاطر عبادت طلب کند خود را تزکیه نموده است.  
هر گاه مستحبات به واجبات زیان رساند آن را ترک کنید.

السلام

حدیث  
طلب

## عاقل خیر خواه

«لَا يَعْشُ الْعَاقِلُ مَنْ اسْتَنْصَحَهُ.»

عاقل و خردمند به کسی که از او نصیحت و اندرز خواهد، خیانت نکند.





## ارزش دادن به آثار عبادت

«إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيَقْبَلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ.»

هر گاه یکی از شما برادر خود را ملاقات کند، باید که محلّ نور پیشانی (یعنی محلّ سجده) او را ببوسد.



## امید و پشتکار

«وَأَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ عَدَا،  
وَإِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلا عَشِيرَةٍ، وَهَيْبَةً بِلا سُلْطَانٍ فَاخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى  
عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»

الحمد لله

حدیث  
طبرانی

برای دنیایت چنان کار کن که گویا همیشه زندگی می کنی، و برای آخرت به  
گونه ای کار کن که گویا فردا خواهی مُرد، و اگر عزّتی بدون بستگان و شکوهی  
بدون سلطنت خواهی، از معصیت و نافرمانی خدا به طاعت و فرمانبری خداوند  
عزّوجلّ در آی.



## پرهیز از تملق و بدگویی

«قال (عليه السلام) لِرَجُلٍ : إِيَّاكَ أَنْ تَمْدَحَنِي فَأَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْكَ أَوْ تُكَذِّبَنِي فَإِنَّهُ لَا رَأْيَ لِمَكْذُوبٍ أَوْ تَغْتَابَ عِنْدِي أَحَدًا.»

امام به شخصی فرمود: مبادا مرا ستایش کنی، زیرا من خود را بهتر می شناسم، یا مرا دروغگو شماری، زیرا دروغگو اندیشه و عقیده [ثابتی] ندارد، یا کسی را نزد من بدگویی نمایی.



## عوامل هلاکت آدمی

هَلَاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبْرُ، الْحِرْصُ، الْحَسَدُ فَالْكِبْرُ هَلَاكُ الدِّينِ وَبِهِ لُعْنٌ

لِإِبْلِيسَ

وَ الْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ وَ بِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ الْحَسَدُ رَايِدُ الشُّوْءِ وَ

مِنْهُ قَتَلَ قَائِلُ هَابِيلَ.

هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر، حرص، حسد تکبر که به سبب آن دین از بین می رود و به واسطه آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت. حرص که دشمن جان آدمی است و به واسطه آن آدم از بهشت خارج شد حسد که سر رشته بدی است و به واسطه آن قایل، هابیل را کشت.

هَلَاكُ النَّاسِ

حَدِيثٌ  
بَابُ ط



## تقوا و تفکر

«أوصيكم بتقوى الله وإدامته التَّفَكُّرِ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَأُمُّهُ.»

شما را به پرهیزگاری و ترس از خدا و ادامۀ تفکر و اندیشه سفارش می‌کنم، زیرا  
که تفکر و اندیشه، پدر و مادر تمام خیرات است.

الحمد لله

حدیث باب طه

## همراهی با مردم

«صَاحِبِ النَّاسِ بِمِثْلِ مَا تُحِبُّ أَنْ يَصَاحِبُوكَ.»

چنان با مردم مصاحبت داشته باش که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.





## نقش عقل، همت و دین

«لَا أَدَبَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ، وَلَا مُرُوءَةَ لِمَنْ لَا هِمَّةَ لَهُ، وَلَا حَيَاءَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ.»

عقل

حَدِيث  
بَاب  
ط

کسی که عقل ندارد، ادب ندارد و کسی که همت ندارد، جوانمردی ندارد و  
کسی که دین ندارد، حیا ندارد.

## تعلیم و تعلّم

«عَلِّمِ النَّاسَ عِلْمَكَ وَتَعَلَّمْ عِلْمَ غَيْرِكَ.»

مردم را با دانشت، دانش بیاموز و خود نیز دانش دیگران را فراگیر.





## روی آوردن به چه کسی؟

لَا تَأْتِ رَجُلًا إِلَّا أَنْ تَرْجُو نَوَالَهُ وَتَخَافَ يَدَهُ أَوْ يَسْتَفِيدَ مِنْ عِلْمِهِ أَوْ تَرْجُو  
بَرَكَتَهُ دُعَايِهِ أَوْ تَصِلَ رَحِمًا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ

نزد کسی مرو، مگر آن که به بخشش او امیدوار، یا از قدرتش بیمناک، یا از دانشش  
بهره مند، یا به برکت و دعایش امیدوار باشی، یا آن که بین تو و او پیوند  
خویشاوندی ای باشد.



## عقل و جهل

«لا غنى أكبر من العقلِ ولا فقرٌ مثلُ الجهلِ ولا وحشةٌ أشدُّ من العُجبِ، و  
لا عيشٌ ألدُّ من حُسنِ الخُلُقِ.»

الحكمة

حديث ابن طاهر

هیچ بی نیازی ای بزرگتر از عقل و هیچ فقری مانند جهل و هیچ وحشتی سخت تر  
از خودپسندی و هیچ عیشی لذت بخشتر از خوش اخلاقی نیست.



## علی (علیه السلام)، دروازه ایمان

«إِنَّ عَلِيًّا بَابٌ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا.»

علی (علیه السلام) دروازه ایمان است، هر که داخل آن شد مؤمن و هر که خارج از آن شد کافر است.



## حقّ اهل بیت

وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَنْقُصُ أَحَدٌ مِنْ حَقِّنَا  
إِلَّا نَقَصَهُ اللَّهُ مِنْ عَمَلِهِ

عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ

حدیث  
باب ط

قسم به خدایی که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را به حق برانگیخت، هیچ کس  
از حقّ ما اهل بیت چیزی را کم نکند، مگر آن که خداوند از عملش چیزی را کم  
گرداند.



## نیکی و پرسش؟

التَّبَرُّعُ بِالْمَعْرُوفِ، وَ الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ، مِنْ أَكْبَرِ السُّؤَدَدِ

آغاز نمودن به نیکی و بذل و بخشش، پیش از درخواست نمودن، از بزرگترین شرافتها و بزرگی هاست.



## دعای مستجاب

«أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجَسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ فَيَسْتَجَابُ لَهُ.»

الحمد لله

حدیث باب طهارت

کسی که در قلبش جز رضا و خشنودی خدا خطور نکند، چون خدا را بخواند، من  
ضامن اجابت دعای او هستم.



## عبادت و پرستش

«مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَبَدَ اللَّهَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ»

کسی که خدا را اطاعت و عبادت کند، خداوند همه چیز را مطیع او گرداند.



## شکر و صبر دو خیر بدون شر

الخیر الذی لا شرّ قیه؛ الشکر مع النعمه، و الصبر علی النازلہ

آن خوبی که شر و آفتی در آن نباشد، شکر در مقابل نعمت ها و صبر و شکیبایی  
در برابر سختی هاست





## فواید خدامحوری

انا الضامن لمن لم يهجس في قلبه الا الرضا ان يدعو الله فيستجاب له

من ضمانت می کنم برای کسی که در قلب او چیزی نگذرد، جز رضای  
خداوندی [که خداوند دعای او را مستجاب فرماید



## بیناترین، شنواترین و سالم ترین

ان ابصر الأبصار ما نفذ في الخير مذهبه و اسمع الاسماع ما وعي التذكير  
و انتفع به و اسلم القلوب ما طهر من الشبهات

به راستی، بیناترین دیده ها آن است که در خیر نفوذ کند و شنواترین گوش ها  
آن است که تذکرات [دیگران] را بشنود و از آن بهره مند شود و سالم ترین دل  
ها آن است که از شک و شبهه پاک باشد.





## فاصله بین حق و باطل

بين الحق و الباطل اربع اصابع، ما رأيت بعينك فهو الحق و قد تسمع  
بأذنيك باطلاً كثيراً

بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است، آنچه را با چشم خود ببینی، حق است  
و آنچه را شنیدی یا آنکه برایت نقل کنند، چه بسا باطل باشد



## تأکید بر اهمیت و نتایج درخشان مشورت

ما تشاور قوم الا هدوا الي رشدهم

هیچ گروهی در کارها با یکدیگر مشورت نکرده اند، مگر آنکه به رشد فکری و عملی و... رسیده اند





## صبر، وفای به عهد و عجله، نشانه چیست؟

انّ الحلم زینه، و الوفاء مروه و العجله سفه

شکیبایی زینت شخص، وفای به عهد، نشانه جوان مردی و عجله و شتاب زدگی [ در کارها بدون اندیشه] دلیل بی خردی است

